



الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ
 أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ ۚ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا ﴿٣٩﴾ مَا كَانَ
 مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ
 وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٤٠﴾
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ﴿٤١﴾
 وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٤٢﴾ هُوَ الَّذِي يُصَلِّي
 عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ
 إِلَى النُّورِ ۚ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا ﴿٤٣﴾ تَحِيَّتُهُمْ
 يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ ۚ وَاعِدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا ﴿٤٤﴾
 يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَ
 نَذِيرًا ﴿٤٥﴾ وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا
 مُنِيرًا ﴿٤٦﴾ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا
 كَبِيرًا ﴿٤٧﴾ وَلَا تَطِعِ الْكُفْرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ
 أَذْنَهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۚ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٤٨﴾

[پیامبران گذشته] همان کسانی‌اند که رسالت‌ها و پیام‌های خدا را [به مردم] می‌رسانند و از او خشیت دارند و از احدی جز او بیم ندارند، و خدا برای

حسابرسی کفایت می‌کند. ﴿۳۹﴾

محمد ﷺ پدر هیچ‌یک از مردان شما نیست، بلکه فرستادهٔ خدا و پایان‌بخش

پیامبران است و خدا به هر چیزی داناست. ﴿۴۰﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را بسیار یاد کنید. ﴿۴۱﴾

و بامدادان و عصرگاهان تسبیح او گوید. ﴿۴۲﴾

اوست آنکه با فرشتگان خود بر شما درود می‌فرستد تا شما را از تاریکی‌ها

[ی غفلت] به روشنایی [یاد خویش] به درآورد و او نسبت به مؤمنان همواره مهربان

است. ﴿۴۳﴾

روزی که آنان [مؤمنان] به لقای خدا می‌رسند، درودی که تبارشان می‌شود «سلام»

است [که نویددهندهٔ سلامت و امنیت است] و خداوند برای آنان پاداشی ارزشمند

و گرامی فراهم ساخته است. ﴿۴۴﴾

ای پیامبر، ما تو را گواه و بشارتگر و هشداردهنده فرستادیم. ﴿۴۵﴾

و نیز دعوت‌کنندهٔ مردم به سوی خدا، به فرمان او و چراغی تابان. ﴿۴۶﴾

و به مؤمنان بشارت ده که برای آنان از جانب خداوند، بخششی بزرگ است. ﴿۴۷﴾

و از کافران و منافقان [در هیچ پیشنهادی] اطاعت مکن، و به آزارشان بی‌اعتنا

باش و به خدا توکل کن که خداوند برای کارسازی کافی است. ﴿۴۸﴾

نکته:

✓ رسول صاحب کتاب و نبی خیر دهنده است یا آنکه رسول پیام آور و نبی انجام دهنده رسالت است.

✓ حدیث منزلت پیامبر (ص) خطاب به حضرت علی (ع) می فرماید:

انت منی بمنزله هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی تو برای من به منزله موسی برای هارون هستی جز اینکه بعد از من پیامبری نیست.



درس سوم

آخرین پیامبر



الله اعلم حيث يجعل رسالته
خاتمیت بر اساس علم و حکمت الهی
پیامبر پایان دهنده نبوت است

خداوند در قرآن کریم، پیامبر اکرم ﷺ را «خاتم النبیین»^۱ معرفی می کند.

ارتباط معنایی با
حدیث منزلت

وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ^۲ بلکه [او] فرستاده خدا و پایان بخش پیامبران است.

ختم نبوت به معنای پایان یافتن ارسال پیامبران است که علت آن کامل شدن دین خداست

چرا؟^۱ پیامبر اکرم ﷺ نیز در اجتماعات مختلف، خود را به عنوان آخرین پیامبر الهی معرفی می کرد^۲
(تا پس از ایشان، کسی ادعای پیامبری نکند، یا اگر ادعا کرد، مردم فریب او را نخورند و بدانند که او پیامبر واقعی نیست.)

در این درس، می خواهیم سؤالات زیر را بررسی کنیم:

چه عواملی سبب شد تا نیازی به آمدن پیامبر جدید نباشد؟

با آمدن آخرین پیامبر، وظیفه کسانی که پیرو پیامبران پیشین بوده اند، چیست؟

سوالات مهم

۱- «خاتم» در لغت به معنای نگین انگشتری است. نگین علاوه بر زیبایی، در حقیقت مَهر بزرگان نیز محسوب می شد و هرگاه که می خواستند پایان نامه یا سندی را امضا کنند، مَهر را در پایان آن می زدند و نامه را با آن به پایان می رساندند. بدین جهت، رسول خدا که آخرین فرستاده و پایان بخش پیامبران است، «خاتم النبیین» نامیده شده است.

۲- سوره احزاب، آیه ۴۰.

۳- نمونه آن، حدیث منزلت است که در درس های بعد با آن آشنا می شوید.

عوامل ختم نبوت

از آنجا که خداوند پیامبران را می فرستد و اوست که نیاز یا عدم نیاز به پیامبر را در هر زمان تشخیص می دهد، ^{چرا؟} تعیین زمان ختم نبوت نیز با خداست؛ زیرا اوست که دقیقاً می داند عوامل ختم نبوت فراهم شده، یا نه؛ مثلاً یکی از عوامل بی نیازی از آمدن پیامبر جدید، حفظ کتاب آسمانی از تحریف و وجود آن در میان مردم است. اما تشخیص اینکه در چه زمانی مردم به مرحله ای می رسند که می توانند کتاب آسمانی خود را حفظ کنند، در توانایی انسان نیست و فقط خداوند از چنین علمی برخوردار است.

نکته مهم (بنابراین، با توجه به اعلام ختم نبوت در زمان حضرت محمد ﷺ، درمی یابیم که عوامل بی نیازی از پیامبر جدید فراهم بوده است). برخی از این عوامل عبارت اند از:

✓ ۱- آمادگی جامعه بشری برای دریافت برنامه کامل زندگی: پایین بودن سطح درک انسان ها

و عدم توانایی آنان در گرفتن برنامه کامل زندگی از عوامل تجدید نبوت ها بود. (در عصر نزول قرآن، با اینکه مردم حجاز سطح فرهنگی پایینی داشتند، اما آمادگی فکری و فرهنگی جوامع مختلف به میزانی بود که می توانست کامل ترین برنامه زندگی را دریافت و حفظ کند و به کمک آن، پاسخ نیازهای فردی و اجتماعی خود را به دست آورد. به همین جهت می بینیم که با ورود اسلام به سرزمین های دیگری مانند

ایران، عراق، مصر و شام نهضت علمی و فرهنگی بزرگی آغاز شد و دانشمندان و عالمان فراوانی ظهور کردند.) در واقع، انسان ها وارد دوره ای شده بودند که می توانستند با تفکر در برنامه ارسال شده از سوی خدا، نیازهای هدایتی خود را در طول زمان های مختلف پاسخ دهند و در هر دوره ای به معارف جدیدتر

و عمیق تری دست یابند.

✓ ۲- حفظ قرآن کریم از تحریف: با تلاش و کوشش مسلمانان و در پرتو عنایت الهی و با اهتمامی

عدم تحریف قرآن: معلول

که پیامبر اکرم ﷺ در جمع آوری و حفظ قرآن داشت، این کتاب دچار تحریف نشد و هیچ کلمه ای بر آن افزوده یا از آن کم نگردید. به همین جهت این کتاب نیازی به «تصحیح» ندارد و جاودانه باقی خواهد ماند.

چرا قرآن نیاز به تصحیح ندارد؟

علت

✓ ۳- وجود امام معصوم پس از پیامبر اکرم ﷺ: تعیین امام معصوم از طرف خداوند سبب

شد که مسئولیت های پیامبر، به جز دریافت وحی ادامه یابد و جامعه کمبودی از جهت رهبری و هدایت نداشته باشد.^۱

امامت تداوم رسالت معلول

✓ ۴- پویایی و روزآمد بودن دین اسلام: دینی می تواند برای همیشه ماندگار باشد که بتواند به

همه سؤال ها و نیازهای انسان ها در همه مکان ها و زمان ها پاسخ دهد. دین اسلام ویژگی هایی دارد که

۱- با مسئولیت های پیامبر و امامان در درس های آینده آشنا خواهید شد.

می تواند پاسخگوی نیازهای بشر در دوره های مختلف باشد.

برخی از این ویژگی ها عبارت اند از :

اول - توجه به نیازهای متغیر، در عین توجه به نیازهای ثابت : انسان در **زندگی فردی** و **اجتماعی دو دسته نیاز** دارد : **نیازهای ثابت** مانند نیاز به امنیت، عدالت، دادوستد با دیگران، ازدواج و تشکیل خانواده، تعلیم و تربیت و حکومت. این نیازها در همه زمان ها برای بشر وجود داشته است و از بین نمی روند. **دین اسلام برای هر کدام از این نیازها قوانین ثابت و مشخصی دارد.**

دسته دیگر، **نیازهای متغیر** هستند که از درون همین نیازهای ثابت پدید می آیند؛ یعنی، انسان ها با گذشت زمان برای پاسخ گویی به نیازهای ثابت خود، از روش ها و شیوه های مختلف و متغیری استفاده می کنند. مثلاً دادوستد یک نیاز ثابت است؛ اما شیوه و چگونگی دادوستد ممکن است در هر زمان تغییر کند. مثلاً یک روز کالا را با کالا عوض می کردند، روز دیگر به جای کالا سکه می گرفتند، بعدها پول اعتباری یعنی اسکناس به بازار آمد و امروزه قراردادهای بانکی، معامله ها را تنظیم می کنند. نیاز به امنیت هم یک نیاز ثابت است، اما چگونگی تأمین امنیت و ابزارها و اسلحه هایی که به این منظور به کار گرفته می شود، در مقایسه با دوره های گذشته بسیار متفاوت شده است. **معارف اسلامی به گونه ای است که متخصصان دین می توانند از درون آن با توجه به نیازهای جدید به وجود آمده، قوانین مورد نیاز جامعه درباره بانکداری، اسکناس، خرید و استفاده از سلاح های جدید را استخراج کنند و در اختیار مردم قرار دهند.**

← نیاز ثابت قانون ثابت و مشخص

← نیاز متغیر

نیازهای فردی و اجتماعی انسان

← متخصصان دینی با توجه به معارف دین، حکم جدید را استخراج می کنند

بیشتر بدانیم

به عنوان یک نمونه، در مورد نیاز به امنیت و حفظ کشور در برابر تهاجم دشمن، که یک نیاز ثابت است، یک قاعده ثابت وجود دارد و آن اینکه در قرآن کریم می فرماید : **وَ اَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهٖ عَدُوَّ اللّٰهِ وَ عَدُوَّكُمْ** . . . : هر چه در توان دارید از نیرو و اسب های ورزیده فراهم آورید، تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید. فراهم کردن نیرو و قدرت برای تأمین امنیت و به میزانی که دشمن بترسد و جرأت حمله پیدا نکند، یک قاعده ثابت است؛ اما مصداق این نیرو در هر زمان متفاوت است. همان گونه که در یک دوره زمانی برای مقابله با دشمن به اسب نیاز بوده است، امروز حکومت اسلامی وظیفه دارد به هر ابزار جدید و مشروعی برای حفظ کشور دست یابد تا کشور را از هر تهدیدی حفظ کند.

دوم - وجود قوانین تنظیم کننده: در اسلام دسته‌ای از قواعد و قوانین وجود دارد که به خصوصیت انطباق و تحرک به مقررات اسلامی تسلط دارند و مانند بازرسان عالی، احکام و مقررات را تحت نظر قرار می‌دهند و کنترل می‌کنند. به‌طور مثال پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ»؛ اسلام با ضرر دیدن و ضرر رساندن مخالف است». این سخن به صورت یک قاعده درآمده و بسیاری از مقررات اسلامی را کنترل می‌کند. مثلاً روزه ماه رمضان بر هر مکلفی واجب است، اما اگر این روزه برای شخصی ضرر داشته باشد، بر او حرام می‌شود.

علت

تسلط بر احکام

نظارت احکام
کنترل احکام

(بنابراین، بر اساس عواملی که بیان شد، آخرین پیامبر الهی، کامل‌ترین و شایسته‌ترین برنامه را برای هدایت تمامی انسان‌ها، در همهٔ زمان‌ها به مردم معرفی نمود و دیگر نیازی به آمدن پیامبر جدید نیست.)

معلول



بر او خلق جهان گشته مسافر

یکی خط است ز اول تا به آخر

دین واحد

دلیل و رهنمای کاروان اند

در این ره، انبیا چون ساربان اند

برپایی دین واحد و عدم تفرقه در دین

هم او اول هم او آخر در این کار

وز ایشان سید ما گشته سالار

حضرت محمد (ص)

بر او نازل شده «ادْعُوا إِلَى اللَّهِ»

بر او ختم آمده پایان این راه

مسئولیت‌های پیامبر به سوی خدا دعوت می‌کنم

گرفته دست جان‌ها دامن وی^۲

شاره به مقام حضرت محمد (ص) شده او پیش و دل‌ها جمله در پی

پیامبر در کمال نبوت و ولایت پیش و بیش از همه می‌باشد

ولایت معنوی

پاسخ سوالات شما

برخی می‌پرسند با چه دلایلی می‌توان اثبات کرد که قرآن تحریف نشده است؟
در پاسخ می‌گوییم:

دلایل زیادی بر عدم تغییر و تحریف قرآن بیان شده است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱- تأکید خداوند بر حفظ قرآن

از میان مهم‌ترین آیاتی که می‌توان به واسطهٔ آنها بر عدم تحریف قرآن استدلال نمود، این آیه است:

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ؛ بی‌تردید ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم و قطعاً

۱- من لا یحضره الفقیه، صدوق، ج ۳، ص ۱۰۳.

۲- سورهٔ یوسف، آیه ۱۰۸.

۳- دیوان گلشن راز، محمود شبستری.

حفظ‌کننده آن خواهیم بود.^۱

علاوه بر این، ما در قرآن هیچ اختلافی بین آیات آن مشاهده نمی‌کنیم، اما اگر قرآن تحریف شده بود، قطعاً به فرموده خود قرآن، در آن اختلافات بسیاری یافت می‌شد.^۲

۲- اهتمام مسلمانان به حفظ و صیانت از قرآن :

پیامبر پس از دریافت وحی، کاتبان وحی را فرا می‌خواندند و آیات نازل شده، توسط آنان نگاشته می‌شد که در اسناد تاریخی، نام بیش از سی تن از این کاتبان برشمرده شده است. مسلمانان آن قدر به ضبط آیه‌ها و حرف حرف قرآن اهمیت می‌دادند که گمان هرگونه تحریفی در قرآن را از بین می‌برد.

۳- یکسان بودن همه نسخه‌های قرآن از زمان پیامبر تاکنون

یکی از دلایلی که شبهه تحریف را از بین می‌برد این است که همه نسخه‌های قرآنی که از صدر اسلام و همچنین در دوره‌های مختلف تاریخی باقی مانده است، دقیقاً به همین شکلی است که اکنون وجود دارد.

با توجه به این نکته اگر تغییر و تحریفی در قرآن رخ می‌داد، بی‌تردید باید شاهد تفاوت قرآن‌های امروزی با نسخه‌های به جای مانده از قرن‌های گذشته و به خصوص صدر اسلام باشیم.

امروزه در مجموعه‌های فرهنگی و موزه‌های مربوط به نسخ خطی جهان، قرآن‌هایی موجود است که نگارش آنها به بیش از هزار سال و گاه به عصر پیامبر می‌رسد، و همه این نسخه‌ها از آغاز تاکنون بدون هیچ تحریف و کاستی یا زیادت‌ی است و همگی از لحاظ آیات و محتوا همانند یکدیگر می‌باشند. به تازگی نیز در تحقیقاتی^۲، کارشناسان آلمانی پی برده‌اند قرآنی که در کتابخانه دانشگاه توپینگن آلمان نگهداری می‌شود، بسیار قدیمی و مربوط به نیمه اول قرن اول هجری است. قرآن یاد شده از ۱۵۰ سال پیش در خزانه کتابخانه دانشگاه توپینگن نگهداری می‌شود، اما تاکنون کسی به قدمت و اهمیت آن پی نبرده بود. نسخه‌شناسان با استفاده از تکنیک‌های نوین دریافته‌اند که این قرآن، بین سال‌های ۶۴۹ تا ۶۷۵ میلادی تحریر شده است؛ یعنی تنها ۲۰ تا ۴۰ سال پس از رحلت حضرت محمد ﷺ.

۱- سوره حجر، آیه ۹.

۲- سوره نساء، آیه ۸۲.

وظیفه پیروان پیامبران گذشته

سوال وقتی خداوند پیامبر جدیدی برای هدایت مردم می فرستد، وظیفه پیروان پیامبر قبل چیست؟ آیا ادامه پیروی از دستورات پیامبر قبلی، مورد قبول خداوند است؟

همان طور که بیان شد، خداوند فقط یک دین و یک راه برای هدایت انسان ها فرستاده است که از آن

به «اسلام» تعبیر می شود. هر یک از پیامبران، این دین الهی را در خور فهم و اندیشه انسان های دوران خود بیان کرده اند. آمدن پیامبر جدید و آوردن کتاب جدید نشانگر این است که بخشی از تعلیمات پیامبر

قبلی، اکنون نمی تواند پاسخگوی نیازهای مردم باشد؛

هر پیامبری که می آمد، به آمدن پیامبر بعدی بشارت می داد و بر پیروی از او تأکید می کرد. بنابراین، وجود دو یا چند دین در یک زمان، نشانگر این است که پیروان پیامبر قبلی به آخرین پیامبر ایمان نیاورده اند و این کار به معنای سرپیچی از فرمان خدا و عدم پیروی از دستورات پیامبران گذشته است.

علاوه بر این، امروزه به جز قرآن کریم هیچ کتاب آسمانی دیگری وجود ندارد که بتوان گفت محتوای آن به طور کامل از جانب خداست و انسان ها آن را کم و زیاد نکرده اند و با اطمینان خاطر بتوان از آن پیروی کرد. بنابراین، تنها دینی که می تواند مردم را به رستگاری دنیا و آخرت برساند اسلام است:

و هر کس که دینی جز اسلام اختیار کند گوش آنها رسیده ولی انتخاب نکرده اشاره به ختم نبوت کشف درست راه زندگی در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

برخی تصور می کنند پیامبران مانند فروشندگان کالا هستند که هر کدام برای خود فروشگاهی باز کرده و کالای خود را تبلیغ می کنند و مردم می توانند بین آن کالاها یکی را انتخاب نمایند. در صورتی که پیامبران مانند معلمان یک مدرسه اند که پایه های مختلف تحصیلی را به ترتیب تدریس می کنند و هر کدام مطالب سال قبل را تکمیل می کنند.

آنان همه یک برنامه و هدف مشخص را دنبال و همه یکدیگر را تأیید کرده اند. بنابراین، اگر کسی به آخرین پیامبر الهی ایمان بیاورد، در واقع به تمام پیامبران سابق نیز ایمان آورده است.

همان طور که خداوند به مسلمانان دستور داده است:

قولوا اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَ مَا اُنزِلَ اِلَيْنَا

وَ مَا اُنزِلَ اِلَىٰ اِبْرٰهِيْمَ وَ اِسْمٰعِيْلَ وَ به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل

اِبراهيم نه یهودی بود و نه مسیحی بلکه یکتا پرست و مسلمان بود

۱- سورة آل عمران، آیه ۸۵. ۱ والعصر، ان الانسان لفي خسر الا الذين امنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر ۲ ان الخاسرين الذين خسروا انفسهم

۳ و من يبتغ غير الاسلام ديناً فلن يقبل منه و هو في الآخرة من الخاسرين

۴ ... خسر الدنيا و الآخرة ذلك هو الخسران المبین

وَ اسْحَاقَ وَ یَعْقُوبَ وَ یَمْبِرَانِ [از نسل یعقوب] نازل شده،

و به آنچه به موسی و عیسی داده شده،

و به آنچه به همه پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده،

میان هیچ یک از ایشان فرق نمی گذاریم؛

و در برابر او تسلیم هستیم.

وَ اسْحَاقَ وَ یَعْقُوبَ وَ الْاَسْبَاطِ

وَ مَا اوتِیَ مُوسٰی وَ عِیْسٰی

وَ مَا اوتِیَ النَّبِیُّوْنَ مِنْ رَّبِّهِمْ

لَا نُفَرِّقُ بَیْنَ اَحَدٍ مِنْهُمْ

وَ نَحْنُ لَهٗ مُسْلِمُوْنَ ۱

واحد بودن
دین الهی

دعوت به وحدت

کسی که میان انبیاء فرق
می گذارد تسلیم خدا نیست

پیامبر تسلیم مطلق حق است

توحید در ربوبیت

در این میان، ممکن است پیروان پیامبران گذشته از آمدن پیامبر جدید آگاه نشوند؛ چنین افرادی

نزد خداوند عذر دارند و اگر مطابق دین خود عمل کرده باشند، پاداش خود را می گیرند. همچنین اگر

کسانی دست به تحقیق و جست و جو بزنند، اما نتوانند به حقایق دین جدید پی ببرند، عذرشان نزد

خداوند پذیرفته است و مورد مؤاخذه قرار نمی گیرند. البته خداوند از قلب و درون همه آگاه است و

میان کسانی که حقیقت را درک کرده اند، اما به خاطر امیال دنیوی از آن پیروی نمی کنند و کسانی که با

همه زحمتی که کشیده اند، حقیقت را نیافته اند (که معمولاً تعدادشان بسیار اندک است)، فرق می گذارد

و گروه دوم را مؤاخذه نخواهد کرد.

عدم آگاهی از
آمدن پیامبر
جدید

نتوانند به
حقیقت پی
ببرند

مخالفت آگاهانه با دین اسلام به دلیل حسادت

اشاره به عدل الهی

دانش تکمیلی

برای کسب دانش بیشتر در خصوص چگونگی محاسبه اعمال افراد غیرمسلمان در جهان

آخرت به سایت گروه قرآن و معارف، بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

پاسخ سؤالات شما

دین دانی یا دین داری؟!

ممکن است این سؤال برای برخی به وجود آید که چرا در میان پیروان دین راستین،

جوامعی وجود دارد که نه تنها به سمت رشد و پیشرفت نمی روند بلکه به انواع گرفتاری ها

و مشکلات دچار هستند؟ اگر دین آمده است تا با پاسخ به پرسش ها و نیازهای اساسی

انسان ها، آنها را از مشکلات و تنگناها نجات دهد، چرا برخی جوامع دینی، گرفتار چنین

مشکلاتی هستند؟

اولین علت بروز این مسئله، جهل بسیاری از مردم نسبت به دستورها و تعالیم دین است. آنان با اینکه ادعا می‌کنند دین‌دار هستند، ولی از دستورهای دین اطلاع کامل و درستی ندارند و به‌جای آنکه در پی مطالعه و یادگیری معارف دین باشند به آنچه از این و آن شنیده‌اند بسنده می‌کنند. آنان نه می‌دانند که اصول دینشان چیست و بر چه پایه‌هایی استوار است و نه از احکام و قوانین دینشان که در زندگی روزمره باید به آن عمل کنند، خبر دارند. این‌گونه جوامع شاید به ظاهر دینی باشند، اما در واقع بهره‌ای از تعالیم نجات‌بخش دین نبرده‌اند.

دومین علت، عمل نکردن مردم به دستورهای دین است. برخی مردم با وجود آگاهی از تعالیم دین و با اینکه می‌دانند که نجات آنها در عمل به این تعالیم است، اما به دلیل دل بستن به هوس‌های زودگذر، به آن عمل نمی‌کنند و پایبند به دستورهایش نیستند.

بنابراین، اگر می‌خواهیم تأثیر بی‌ظنیر دین را در زندگی و جامعه خود مشاهده کنیم، باید مطالعه و شناخت تعالیم دین و سپس اطاعت از دستورهای آن را سرلوحه کار خود قرار دهیم. البته در این راه باید سعی کنیم به تمام احکام شریعت عمل کنیم، نه اینکه به برخی موارد عمل کنیم و برخی دیگر را کنار بگذاریم.

اندیشه و تحقیق

به نظر شما آیا این امکان وجود داشت که خداوند برنامه سعادت بشر را یکبار برای همیشه در زمان حضرت آدم علیه السلام برای مردم بفرستد؟ چرا؟ **خیر**

انسان‌های همان عصر: آن را نمی‌فهمیدند و درک نمی‌کردند. زیرا این برنامه فراتر از عقل و درک آنان بود.
انسانهای سایر عصرها: دین دچار تحریف و یا نابودی کلی می‌شد و به صورت دقیق و بدون تحریف به دست انسانهای بعد نمی‌رسید.

منابع برای مطالعه بیشتر

فایل پی‌دی‌اف کتاب‌های معرفی شده در این بخش، در سایت گروه قرآن و معارف به آدرس <http://quran-dept.talif.sch.ir> در بخش «معرفی کتاب» موجود است.

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
ختم نبوت	مرتضی مطهری	صدرا	معلم
اصول عقائد و دستورات دینی	سید محمد حسین طباطبایی	دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبایی	معلم
اصول عقاید	محسن قرائتی	مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن	دانش آموز
داستان پیامبران	موسوی گرمارودی	قدیانی	دانش آموز
گل‌ها همه آفتاب‌گردان‌اند	قیصر امین پور	مروارید	دانش آموز
آفتاب اندیشه (ج ۲)	حسین سوزنچی	مدرسه	معلم

کافه کنکور

کدام مفهوم از بیت زیر مستفاد می‌گردد و قاعده «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» نشان دهنده کدام مورد است؟
 نَسَدَهُ اَوْ پِیْشِ و دِلْهَآ جَمْلَه دَر پِیْ گَرَفْتَه دَسْت جَان هَا دَا مَن هَا

ریاضی-۹۹

۲) ختم نبوت- جامعیت و همه جانبه بودن قرآن کریم

۱) ختم نبوت - پویایی و روز آمد بودن دین اسلام

۴) سخت کوشی در هدایت مردم- جامعیت و همه جانبه بودن قرآن کریم

۳) سخت کوشی در هدایت مردم- پویایی و روز آمد بودن دین اسلام

خارج- ۹۹

از مفهوم حدیث شریف «انا معاشر الانبیاء امرنا» در تبیین کدام موضوع می‌توان بهره جست

۲) رشد تدریجی سطح فکر مردم از علل فرستادن پیامبران متعدد

۱) رشد تدریجی سطح فکر مردم از علل ختم نبوت

۴) آماذگی جامعه بشری برای دریافت برنامه کامل زندگی از علل فرستادن پیامبران متعدد

۳) آماذگی جامعه بشری برای دریافت برنامه کامل زندگی از علل ختم نبوت